

مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

مرجان خوانین‌زاده*، دکتر جواد اژه‌ای**، دکتر محمدعلی مظاهری***

چکیده

هدف این مطالعه تبیین تفاوت «سبک دلبستگی بزرگسالان و ابعاد دلبستگی به خدا» در ۳۸۹ نفر از دانشجویان دارای «جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی» بوده است. جهت برگزیدن افراد مذهبی برای گروه نمونه از مقیاس جهت‌گیری مذهبی اسلامی (بهرامی، ۱۳۷۸) و برای تعیین نوع جهت‌گیری مذهبی آزمودنیها از مقیاس جهت‌گیریهای مذهبی درونی و بیرونی (فگین، ۱۹۶۳) استفاده شده است. همچنین آزمودنیها پرسشنامه‌هایی در خصوص سبک دلبستگی بزرگسالان (هزن و شیور، ۱۹۸۷) و دلبستگی به خدا را (کرک پاتریک و روت، ۲۰۰۲) تکمیل کردند. داده‌های دریافتی براساس آزمونهای t مستقل، ضریب همبستگی پیرسن و رگرسیون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل نتایج نشان داد «دلبستگی ایمن» در دانشجویانی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند بیش از دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی است به نحوی که دلبستگی ایمن بطور مستقیم و معنادار قدرت پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درونی را دارا می‌باشد. سبک دلبستگی دوسوگرا در جهت‌گیری مذهبی بیرونی بطور معناداری بیش از گروهی است که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند. اما از لحاظ دلبستگی اجتنابگر بین دو گروه مورد مقایسه تفاوت معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این، افرادی که جهت‌گیری

* کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

*** پژوهشکده خانواده / دانشگاه شهید بهشتی

مذهبی درونی دارند در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی در مقیاس دلبستگی به خدا اجتناب و اضطراب کمتری (دلبستگی ایمن) را گزارش داده‌اند؛ بُعد «اضطراب دلبستگی به خدا» بطور معکوس و معنادار پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری مذهبی درونی و بُعد «اجتناب دلبستگی به خدا» بطور مستقیم و معنادار پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن.



● مقدمه

آپورت (۱۹۵۰)، مذهب را به عنوان فلسفه وحدت بخش زندگی توصیف می‌کند و آن را یکی از عوامل بالقوه مهم برای سلامت روان دانسته، او معتقد است نظام ارزشی مذهبی، بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می‌کند. اما به این نکته نیز توجه دارد که اینطور نیست که تمامی افرادی که ادعای مذهبی بودن دارند، دارای شخصیت سالم هستند. از دیدگاه آپورت (۱۹۵۰)، این جهت‌گیری به دو صورت «جهت‌گیری مذهبی درونی»^۱ و «جهت‌گیری مذهبی بیرونی»^۲ می‌باشد. جهت‌گیری مذهبی درونی، مذهبی فراگیر، دارای اصولی سازمان یافته و درونی شده است که خود غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. شخصی که «جهت‌گیری مذهبی درونی» دارد با مذهبش زندگی می‌کند و مذهبش با شخصیتش یکی می‌شود. شخصی که «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» دارد، مذهب با شخصیت و زندگی‌اش تلفیق نشده است؛ برای او مذهب وسیله‌ای است که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد (بطور مثال کالدشتاد، ۱۹۹۵؛ کلانینگر، ۱۹۹۶).

آپورت (۱۹۶۸)، بر اهمیت رابطه بین مذهب درونی و سلامت روانی تأکید ورزیده، می‌گوید: «مطمئناً جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی موجب سلامت روانی می‌شود» (متئوس تردوی، ۱۹۹۶). مطالعات و پژوهشهای انجام گرفته در این حوزه، با بررسی متغیرهای گوناگون سلامت روان، صدق مدعای آپورت را نشان داده‌اند (کالدشتاد، ۱۹۹۵؛ متئوس تردوی، ۱۹۹۶؛ مختاری، ۱۳۷۹).

علیرغم آنکه تاکنون در خصوص پیامدهای روانشناختی «مذهب»، نتایج پژوهشی کافی منتشر شده است، هنوز تبیین ساختارهای روانشناختی مذهب و نیز چگونگی اثرگذاری مذهب بر سلامت روانی بسیار محدودند و ضروری است این بخش از روانشناسی مذهب بیش از گذشته مورد توجه محققین قرار گیرد. یکی از چارچوبهای نظری سودمندی که برای مطالعه مذهب

مطرح شده است «نظریه دلبستگی»^۳ می باشد که فرایند شکل گیری و قطع شدن پیوندهای عاطفی را توضیح می دهد.

«نظریه دلبستگی» بالبی^۴ (۱۹۸۰، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹)، اخیراً به عنوان شیوه ای برای سازمان بندی و تفسیر رفتارهای مذهبی مورد توجه قرار گرفته است (کرک پاتریک، ۱۹۹۹). بالبی (۱۹۷۹) معتقد است که نظریه دلبستگی فقط نظریه تحول کودک نیست بلکه نظریه تحول در «گستره حیات» نیز هست (به نقل از مظاهری، ۱۳۷۹). بینگ هال^۵ (۱۹۹۵)، استدلال می کند که دانستن اینکه شخصی وجود دارد که نگران شماست و شما را در ذهن خود دارد در هر سن و هر شرایطی نقش اساسی داشته و به عنوان یک پایگاه «ایمنی بخش» عمل می کند. این تصور ذهنی، رفتار مستقلانه را حتی در غیبت «تصویر دلبستگی»^۶ پشتیبانی و تقویت می کند (همان منبع). برمن^۷ و اسپرلینگ^۸ (۱۹۹۴)، «دلبستگی بزرگسالان»^{۱۰} را به این صورت تعریف می کنند: «دلبستگی بزرگسالان گرایش پایدار شخص است به تلاش ویژه برای دست یافتن به، یا حفظ همجواری و ارتباط با یک یا چند شخص خاص که توانایی فراهم آوردن سلامت و امنیت جسمی و روانشناختی وی را دارا باشند» (مظاهری، ۱۳۷۹).

ویس^{۱۱} (۱۹۸۲)، مطرح می کند تصویرهای دلبستگی در زندگی بزرگسال، لزوماً نباید تصویرهای حمایتی و حفاظتی باشند بلکه می توان به آنها بصورت «پرورش دهنده قابلیت فرد دلبسته برای مهار چالش»^{۱۲} نگریست (به نقل از کراول و تری بوکس، ۱۹۹۵). اینثورث^{۱۳} (۱۹۸۵) و ویس (۱۹۷۴)، روابط دلبستگی را به این صورت متمایز می کنند: آنهایی که احساسات امنیت و منزلت را بدون وجود تنهایی و عدم آرامش تأمین می کنند، در مقابل روابطی که راهنمایی یا مصاحبت، فرصتهایی برای احساس مورد نیاز بودن یا سهیم شدن در تجربیات و علائق مشترک، احساسات مربوط به کفایت، پیوند و یاری را فراهم می کنند (کراول و تری بوکس، ۱۹۹۵). علیرغم تفاوت های مفهومی دلبستگی در کودکی و بزرگسالی، فعالیتهای نظری و تجربی در طول دو دهه گذشته نقش و اهمیت روابط دلبستگی در چرخه حیات را به وضوح مورد تأیید قرار داده است. (اینثورث، ۱۹۸۹؛ ویس، ۱۹۹۱، ۱۹۸۶، ۱۹۸۲؛ به نقل از مظاهری، ۱۳۷۹)

کرک پاتریک (۱۹۹۲، ۱۹۹۵)، معتقد است «مذهب» می تواند به عنوان فرایند دلبستگی، مفهوم سازی گردد که در آن رفتارها و باورهای مذهبی به صورت گستره ای از نظام دلبستگی در انسانها عمل می کنند. این نظام رفتاری زیستی رابطه بین فردی میان نوزاد و مراقبین را شکل می دهد؛ این نظام کودکان را قادر می سازد تا در حضور تصویر دلبستگی، احساس ایمنی کنند و همچنین به اندازه کافی در امنیت باشند تا به کشف محیط پیرامونشان به پردازند. کودک بر پایه

تجارب اولیه دلبستگی روان بنه‌های هیجانی - شناختی مربوط به روابط بین فردی را گسترش می‌دهد که این تحول بعدها می‌تواند با یک تصویر دلبستگی فوق طبیعی، همراه شود. در حقیقت، اعتقاد مذهبی به نوعی، می‌تواند دریچه‌ای منحصر به فرد به فرایندهای دلبستگی بزرگسالی بگشاید (به نقل از مک فادن و لوین، ۱۹۹۶). کرک پاتریک (۱۹۹۹) معتقد است «تصور خدا» می‌تواند به صورت جانشینی برای شکستهای اولیه تحول دلبستگی ایمن باشد «فرضیه جبرانی»^{۱۳} و یا اینکه تداوم روابط والدینی اولیه باشد «فرضیه همخوانی»^{۱۴}. به اعتقاد وی بسیاری از جنبه‌های اعتقاد و تجربه مذهبی - به ویژه آنهایی که مربوط به ارتباطات درک شده با خدا یا سایر تصویرهای فوق طبیعی هستند - (حداقل قسمتی از آن) عملکرد فرایندهای دلبستگی روانشناختی را منعکس می‌کنند. «خدا» همه خصوصیات تعریف‌کننده تصویر دلبستگی را که افراد برای دستیابی به پایگاهی ایمنی بخش و پناهگاهی امن به او روی می‌آورند، به منصفه ظهور می‌رساند. شخص مذهبی با این ایمان پیش می‌رود که وقتی خطری او را تهدید می‌کند، خداوند برای محافظت و تسلی دادن در دسترسش خواهد بود. در دیگر مواقع دانش محض از وجود خدا و قابل دسترس بودنش به او اجازه می‌دهد که به مسائل و مشکلات روزانه زندگی، با اطمینان نزدیک شود.

- به همان میزان که کنشهای پایگاه ایمنی بخش، ترس و اضطراب را کاهش می‌دهد یا از آن ممانعت به عمل می‌آورد - همانگونه که بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۸۲) و دیگران درباره آن بحث کرده‌اند - اعتقاد به «خدا» تحت عنوان تصویر دلبستگی، سودمندیهای روانشناختی معینی را به دنبال دارد. تعدادی از یافته‌های تحقیقی بیانگر این هستند که اعتقاد مذهبی با جنبه‌هایی از سلامت روانی و «بهبودی روانشناختی»^{۱۵} مرتبط می‌باشند که اغلب به طور واضح از دیدگاه دلبستگی پیش‌بینی شده‌اند (کرک پاتریک، ۱۹۹۹). بطور مثال تعهد مذهبی یا جهت‌گیری مذهبی درونی بارگه اضطراب، همبستگی معکوس دارد (بیکر^{۱۶} و همکاران ۱۹۸۲؛ برگین^{۱۷}، و همکاران ۱۹۸۷؛ به نقل از پارک، کوهن و هرب، ۱۹۹۰). بتسون و وتیس (۱۹۸۲)، دریافتند که تعهد مذهبی (جهت‌گیری مذهبی درونی)، با رهایی از «احساس گناه و نگرانی» و «کنترل و کفایت شخصی» مرتبط است.

با ملاحظه مطالعات انجام گرفته در حوزه مذهب، به سادگی می‌توان دریافت، همانگونه که آپورت خاطر نشان می‌سازد، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی در مقایسه با افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند دارای سلامت روانی بیشتری هستند و تندرستی کمتری را تجربه

می‌کنند یعنی دارای کنشهای «سبک دلبستگی ایمن»^{۱۸} (سلامتی و ایمنی) هستند. بنابراین با تمایز قائل شدن بین جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی و بیرونی) و تأثیرات متفاوت آنها بر سلامت روان، به صورت منطقی می‌توان این احتمال را بررسی کرد که آیا سبک دلبستگی افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند با افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند تفاوت دارد؟ آیا دلبستگی ایمن در افرادی با جهت‌گیری مذهبی درونی بیش از افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی است؟

طبق نظر کرک پاتریک (۱۹۹۹)، باورهای مربوط به «خدا» شبیه ویژگیهای «تصویر دلبستگی ایمن» می‌باشد. اما آیا رابطه با خدا یا به عبارتی «دلبستگی به خدا»^{۱۹} در همه افراد مذهبی یکسان توصیف می‌شود؟ نتایج تعدادی یافته‌های تحقیق حاکی از آن هستند که کسانی که دارای روابط دلبستگی ایمن هستند، دلبستگی آنها به خدا نیز ایمن می‌باشد (بطور مثال کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲؛ استراهان^{۲۰}، ۱۹۹۱ به نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۹). اما داده‌هایی نیز وجود دارند مبنی بر اینکه هنگام ناراحتی هیجانی شدید و بویژه نگرانی مرتبط با روابط دلبستگی مختل شده، تاریخچه دلبستگی، قویترین تأثیر را اعمال می‌کند و در این موقعیتها، افراد گرایش به پایگاه ایمنی بخشی خواهند داشت که با دلبستگی به خدا فراهم می‌شود. یعنی خداوند به عنوان تصویر دلبستگی جانشین، نقش جبرانی برای افرادی با تاریخچه «دلبستگی نایمن»^{۲۱} ایفا می‌کند (بطور مثال کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۰). تناقض این دسته از مطالعات همراه با مرور تفاوت‌های مذهبی افراد در ادبیات روانشناسی مذهب، منجر به در نظر گرفتن نفوذ عواملی مانند نوع جهت‌گیری مذهبی افراد شده و این سؤال را بر می‌انگیزد که: آیا رابطه افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی با خدا متفاوت از افرادی است که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند؟ همینطور: آیا افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی در رابطه دلبستگی خود به خدا، ایمنی بیشتری ادراک می‌کنند؟

بنابر آنچه مطرح گردید، هدف اصلی مطالعه حاضر، شناخت دلبستگی افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی در سطوح دلبستگی بزرگسالان و دلبستگی به خدا می‌باشد.

● روش تحقیق

○ جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که در سال تحصیلی

۸۲-۱۳۸۱ در رشته‌های غیرپزشکی مشغول به تحصیل بوده‌اند (۱۹۲۹۸۱ نفر)، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. از این جامعه براساس جدول کرجی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۸۹ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب گردید. به این ترتیب که در مرحله اول از میان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، دانشگاه «شهید بهشتی» و «دانشگاه تهران» بطور تصادفی انتخاب شده، سپس افراد گروه نمونه از این دو دانشگاه با رعایت نسبت جنس، دانشکده و تعداد افراد هر دانشگاه تعیین گردیده‌اند. بدین ترتیب پرسشنامه‌ها توسط حجم نمونه ۷۷۵ نفری پاسخ داده شدند که از این عده ۷ نفر به علت نمره بالا در عبارات دروغ سنج پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی (بهرامی، ۱۳۷۸) حذف شدند؛ پرسشنامه مذکور در این تحقیق به منظور تعیین افراد مذهبی اجرا شده است.

در مرحله دوم، افرادی که دارای جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی بودند براساس چارک اول و سوم مشخص شدند. بدین ترتیب ۱۹۶ نفر دارای «جهت‌گیری مذهبی درونی» و ۱۹۳ نفر دارای «جهت‌گیری مذهبی بیرونی»، نمونه ۳۸۹ نفری این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

○ ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی درونی-بیرونی^{۲۲} (فگین^{۲۳}، ۱۹۶۳): آلپورت بر مبنای نظریه خود مقیاسی جهت سنجش جهت‌گیری‌های مذهبی تهیه نمود. این مقیاس شامل ۲۰ گزینه می‌باشد که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی برونی و ۹ گزینه دیگر به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص یافته است. فگین یک نسخه ۲۱ گزینه‌ای از مقیاس جهت‌گیری مذهبی تهیه کرد که تمام گزینه‌های آلپورت در آن انتخاب شده بودند و علاوه بر آن یک گزینه دیگر نیز به آن افزود (مذهب همان کاری را می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند، یعنی کمک می‌کند که زندگی‌م را متعادل و پایدار نگهدارم)؛ این گزینه، همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی داشت. و از آن به بعد این مقیاس بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. طبق تحقیق آلپورت، همبستگی بین گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۲۱- بودند. در تعدادی از مطالعات دیگر از جمله مطالعاتی که توسط فگین صورت گرفت همبستگی بین جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی ۰/۲۰- بود که بسیار نزدیک به همبستگی محاسبه شده توسط آلپورت است (دوناهو^{۲۴}، ۱۹۸۵ به نقل از مختاری، ۱۳۷۹).

برای سنجش «روایی» این آزمون در ایران، مقیاس جهت‌گیری‌های بیرونی و درونی فگین به فارسی ترجمه شد و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصین دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید و سپس با بازنویسیهای متعدد سعی در متناسب نمودن آن با بافت فرهنگی و مذهبی ایرانی گردید. به منظور بررسی اعتبار آزمون مذکور، آلفای کرونباخ آن توسط جان بزرگی در گروه نمونه ۳۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاههای استان تهران ۰/۷۳۷^۰ محاسبه شده است (مختاری، ۱۳۷۹). در پژوهش مختاری نیز، آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۷۱۲^۰ گزارش گردیده است.

ب) مقیاس جهت‌گیری مذهبی: این مقیاس که توسط بهرامی در سال ۱۳۷۸ طراحی شده، دارای ۶۸ عبارت می‌باشد و در پژوهش حاضر جهت تعیین مذهبی بودن افراد گروه نمونه از آن استفاده شده است. آزمودنیها درجه موافقت یا مخالفت خود را با هر عبارت در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تعیین می‌کنند.

این آزمون که هم‌اکنون اعتباریابی آن ادامه دارد، با استفاده از یک الگوی منسوب به امام صادق (ع) که انواع حقوق و وظایف انسان را تعریف می‌کند، طراحی شده است. براساس این الگو، مذهب نظام تفسیری است که چگونگی رابطه «انسان» را با «خود»، با «دیگر انسانها»، و با «کل پدیده‌های جهان هستی» تبیین می‌کند. در قلب این الگو، «خدا» قرار دارد و بدین ترتیب جهت‌گیری مذهبی با مرجعیت بخشیدن به «خدا» در تمام سطوح مناسبات انسانی تحقق می‌یابد. «اعتبار» این آزمون در بررسی انجام شده بالاست و مقدار ثبات درونی که توسط آلفای کرونباخ محاسبه شده، بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۵ گزارش گردیده است. «روایی» این مقیاس با تأکید روایی سازه و روایی محتوایی بررسی شده و این دو نوع روایی تأمین شده است. به‌منظور بررسی‌های بیشتر بویژه در بعد روایی و اعتبار، مطالعات کماکان ادامه دارد (بهرامی، ۱۳۸۱).

ج) پرسشنامه سبکهای دلبستگی بزرگسالان: این آزمون یک ابزار اندازه‌گیری تک‌عاملی خودگزارش دهی است که توسط هزن^{۲۶} و شیور (۱۹۸۷)، ساخته شده است. بر پایه این فرض که مشابهت‌هایی از سبکهای دلبستگی نوزاد - مراقبت‌کننده را می‌توان در روابط بزرگسالان نیز یافت، این ابزار اندازه‌گیری حاوی سه عبارت توصیفی از احساسهای فرد درباره راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط است. این توصیفها بر پایه تعمیم توصیفهای اینثورت و همکاران (۱۹۸۷)، از طبقه‌بندیهای دلبستگی نوزادان (ایمن، اجتابگر^{۲۷} و دوسوگرا^{۲۸}) و تبدیل آنها به صورتی که متناسب با روابط بزرگسالان باشد تهیه شده‌اند. هر توصیف یکی از سه سبک

دلبستگی را نشان می‌دهد. از پاسخ دهندگان خواسته شده است تا کاربرد پذیری هر یک از توصیف‌های سه‌گانه را در مورد توصیف خودشان روی یک مقیاس لیکرت نشان دهند. هم‌چنین آزمودنیها بایستی یکی از توصیفها را که بهتر از همه احساس آنها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می‌کند، انتخاب کنند. خصوصیات روان‌سنجی این ابزار را رضایت بخش گزارش کرده‌اند (مظاهری، ۱۳۷۹).

در بررسی‌های متعدد نشان داده شد که اعتبار باز آزمایی اندازه‌گیری مقوله‌ای حدود ۰/۷ بوده است و ضریب همبستگی پیرسن معادل ۰/۴ برآورد شده است (بالدوین و فهر، ۱۹۹۵ به نقل از فیروزی، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۶۴ محاسبه شده است.

د) پرسشنامه دلبستگی به خدا: ^{۲۹} این مقیاس یک پرسشنامه ۹ ماده‌ای می‌باشد که توسط روت و کرک پاتریک (۲۰۰۲)، به منظور سنجش کیفیت دلبستگی به خدا در دو بعد اضطراب و اجتناب تهیه و تنظیم و بوسیله تقی‌یاره (۱۳۸۲)، ترجمه شده است. سه عبارت این مقیاس بعد «اضطراب» و ۶ عبارت آن شامل ۳ ماده منعکس‌کننده «دلبستگی اجتنابگر» و ۳ عبارت منعکس‌کننده «دلبستگی ایمن» (بصورت معکوس) بعد اجتناب را اندازه‌گیری می‌کنند. این آزمون در مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» تنظیم و از آزمودنیها خواسته شده است تا هر عبارت را براساس درجه‌ای که با آن موافق یا مخالف هستند نمره‌گذاری نمایند.

روت و کرک پاتریک (۲۰۰۲)، بعد از انتخاب عبارات مناسب، با واریسی مولفه‌های اصلی، اعتبار و تحلیل‌های ارتباط خطی، معتبرترین عبارات دلبستگی به خدا را که دارای بیشترین روایی هستند مشخص کردند (تقی‌یاره، ۱۳۸۲). مقیاس دو بعدی دلبستگی به خدا، ویژگیهای روان‌سنجی مطلوبی نشان داده است که بطور خلاصه چنین است: خرده مقیاس دلبستگی اجتنابی به خدا $\alpha = 0/92$ و خرده مقیاس دلبستگی اضطرابی به خدا $\alpha = 0/80$. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار برای کل آزمون از طریق آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۲ محاسبه شده است.

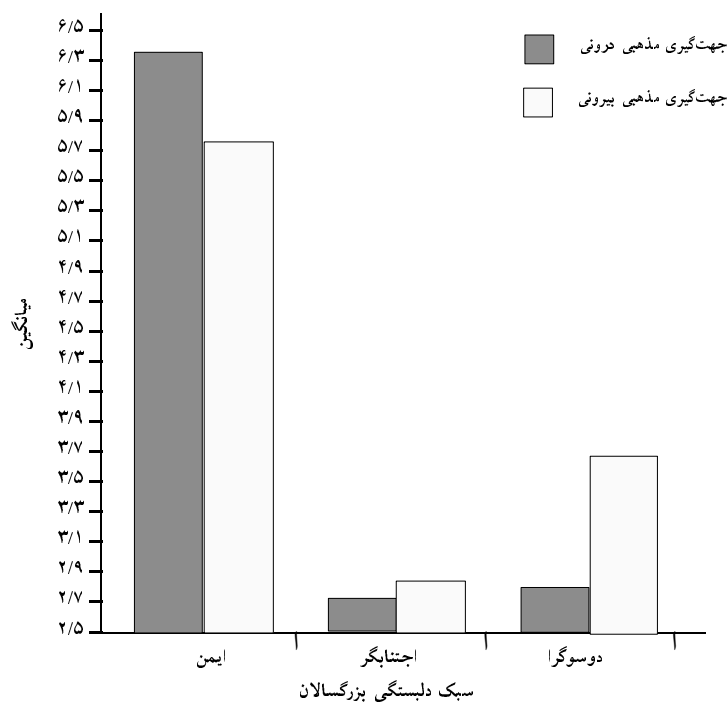
○ طرح پژوهش و روش تحلیل داده‌ها

از آنجاکه پژوهش حاضر به دنبال پیدا کردن رابطه تقریباً تبیینی بین متغیرهایی (جهت‌گیری مذهبی و سبک دلبستگی) است که به صورت فعال نبوده بلکه از قبل رخ داده و اثر داشته‌اند و از طرفی می‌توان رابطه‌ای یکسویه را در تبیین روابط متغیرها در نظر گرفت، این مطالعه، علی-مقایسه‌ای (از انواع طرح‌های توصیفی) می‌باشد.

برای بدست آوردن نتایج توصیفی پژوهش از شاخصهای آماری میانگین، انحراف معیار، درصد و فراوانی و برای نتایج استنباطی از آزمون t مستقل، آزمون همگونی آلفا، ضریب همبستگی پیرسن و رگرسیون با استفاده از نرم افزار، SPSS بهره گرفته شده است.

● نتایج

بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t مستقل، برای مقایسه نمرات «سبک دلبستگی ایمن» در افراد دارای «جهت‌گیری‌های مذهبی درونی» و «بیرونی»، «دلبستگی ایمن» در دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به دانشجویانی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند بطور معناداری بیشتر است (جدول ۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت «دلبستگی ایمن» در افرادی که «جهت‌گیری مذهبی درونی» دارند بیش از اشخاص دارای «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» است. نمودار ۱ تفاوت میانگینهای نمرات سبک دلبستگی ایمن در این دو گروه را بطور واضح نمایان می‌سازد.



نمودار ۱ - میانگین نمرات سبکهای دلبستگی افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

جدول ۱- نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های نمرات سبک دلبستگی افراد دارای

جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی

مقایسه میانگینها			بیرونی			درونی			جهت‌گیری مذهبی سبک دلبستگی بزرگسالان
سطح معناداری	df درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۱۱	۳۸۷	۲/۵۵۳	۲/۴۳	۵/۸۰	۱۹۳	۲/۰۷	۶/۳۸	۱۹۶	ایمن
۰/۶۱۳	۳۸۷	-۰/۵۰۶	۲/۱۶	۲/۸۴	۱۹۳	۲/۱۲	۲/۷۳	۱۹۶	نا ایمن اجتنابگر
۰/۰۰۰	۳۸۷	-۳/۶۷۵	۲/۶۶	۳/۶۷	۱۹۳	۲/۱۹	۲/۷۶	۱۹۶	نا ایمن مضطرب

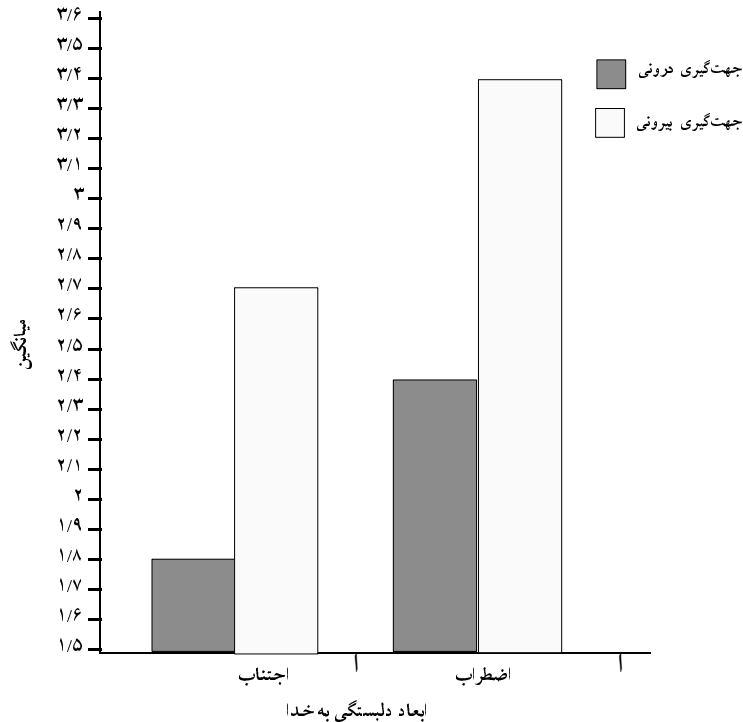
● نتایج آزمون آماری مندرج در جدول ۱ بیانگر آن است که «دلبستگی‌ناایمن دوسوگرا» در دانشجویانی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند بطور معناداری بیش از دانشجویانی است که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند. اما بین دو گروه مورد مقایسه از لحاظ دلبستگی‌ناایمن - اجتنابگر تفاوت معناداری وجود ندارد. نمودار ۲ میانگین نمرات سبک‌های دلبستگی دوسوگرایی و اجتنابگری را بطور جداگانه برای افراد گروه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نمایش می‌دهد.

جدول ۲- نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های نمرات افراد گروه نمونه در مقیاس دلبستگی به خدا

مقایسه میانگینها			بیرونی			درونی			جهت‌گیری مذهبی ابعاد دلبستگی خدا
سطح معناداری	df درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۳۸۷	-۹/۱۹۳	۱/۲۳	۲/۷۵	۱۹۳	۰/۸۵	۱/۷۶	۱۹۶	اجتناب
۰/۰۰۰	۳۸۷	-۶/۶۰۲	۱/۵۳	۳/۴۲	۱۹۳	۱/۴۴	۲/۴۳	۱۹۶	اضطراب

نتایج حاصل از آزمون t مستقل که در جدول ۲ ارائه شده است، نشان می‌دهد در مقیاس دلبستگی به خدا دانشجویانی که «جهت‌گیری مذهبی درونی» دارند نسبت به دانشجویان دارای «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» بطور معناداری اجتناب کمتری دارند (نمودار ۲).

● همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است بر مبنای نتایج حاصل، می‌توان نتیجه گرفت دانشجویانی که «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» دارند نسبت به دانشجویانی که «جهت‌گیری مذهبی درونی» دارند در مقیاس دلبستگی به خدا دارای «اضطراب» بیشتری هستند.



نمودار ۲- میانگین نمرات ابعاد دل‌بستگی به خدا برای افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

نمودار ۲ تفاوت معنادار میانگین نمرات بعد اضطراب دل‌بستگی به خدا را در دو گروه مذکور نشان می‌دهد.

● به منظور تعیین میزان تأثیر هر یک از دل‌بستگی‌های بزرگسالان و «خدا» در جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی از مدل رگرسیون استفاده شده است. اطلاعات مندرج در جدول ۳ حاکی از وجود همبستگی معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی با دل‌بستگی ایمن ($p=0/01$) و بعد اضطراب دل‌بستگی به خدا ($p=0/02$) و رابطه معنادار بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و بعد اجتناب دل‌بستگی به خدا ($p=0/000$) می‌باشد. بر اساس این نتایج، با افزایش نمرات دل‌بستگی ایمن، نمره جهت‌گیری مذهبی کاهش می‌یابد (نمرات پایین در جهت‌گیری مذهبی بیانگر مذهبی درونی و نمرات بالا نشان‌دهنده مذهب بیرونی می‌باشد) به عبارت دیگر «دل‌بستگی ایمن» با «جهت‌گیری مذهبی درونی» همبستگی مثبت و معناداری دارد. بعد «اضطرابی دل‌بستگی به خدا» با «جهت‌گیری مذهبی درونی» رابطه معناداری دارد، به این صورت که با کاهش نمره فرد در بعد

اضطراب، نمره جهت‌گیری مذهبی کاهش (مذهب درونی) می‌یابد. رابطه مستقیم و معنادار بین بعد اجتناب دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی بیرونی وجود دارد. با افزایش نمره فرد در بعد اجتناب، نمره جهت‌گیری مذهبی نیز افزایش می‌یابد یعنی جهت‌گیری مذهبی فرد، بیرونی است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین نمرات سبکهای دلبستگی بزرگسالان و خدا و جهت‌گیریهای مذهبی

سبک دلبستگی	دلبستگی بزرگسالان			جهت‌گیری مذهبی
	دلبستگی به خدا	اجتناب	اضطراب	
درونی	۰/۱۸۰**	۰/۰۰۵	۰/۱۱۵	۰/۱۶۱*
بیرونی	۰/۰۵۱	-۰/۰۰۹	-۰/۰۲۹	۰/۰۷۳

**p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

جدول ۴ خلاصه اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون متغیرهای جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک دلبستگی بزرگسالان را نشان می‌دهد. با توجه به جدول مذکور میزان F بدست آمده معنادار می‌باشد و نشان می‌دهد که رگرسیون معنادار است.

جدول ۴- خلاصه شاخصهای آماری و نتایج معناداری رگرسیون مربوط به تبیین واریانس

جهت‌گیری مذهبی درونی توسط سبک دلبستگی بزرگسالان

شاخص	مجموع مجدورات	df	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	R	R ² ضریب تعیین	خطای برآورد
رگرسیون	۲۶۴/۷۰۷	۱	۲۶۴/۷۰۷	۶/۵۱۳	۰/۰۱۱	۰/۱۸۰	۰/۰۳۲	۶/۳۸
باقیمانده	۷۸۸۴/۸۱۸	۱۹۴	۴۰/۶۴۳					

اطلاعات مربوط به ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون در جدول ۵ ارائه شده است. بر اساس این نتایج فقط سبک «دلبستگی ایمن» می‌تواند جهت‌گیری مذهبی درونی را در سطح معنی‌داری (p=۰/۰۱۱) تبیین کند و هم‌چنان که جدول ۴ نشان می‌دهد ۳/۲ درصد واریانس جهت‌گیری مذهبی درونی توسط متغیر سبک دلبستگی ایمن قابل تبیین است.

جدول ۵- شاخصهای آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک

دلبستگی بزرگسالان

شاخص	ضریب B	ضریب بتا	t	سطح معناداری	خطای معیار
ایمن	-۰/۵۶۳	-۰/۱۸۰	-۲/۵۵۲	۰/۰۱۱	۰/۲۲۰
اجتنابی	-	-۰/۰۷۶	-۰/۹۸۸	۰/۳۲۴	-
اضطرابی	-	-۰/۰۹۰	۱/۲۶۵	۰/۲۰۷	-

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون متغیرهای جهت‌گیری مذهبی درونی و ابعاد دلبستگی به خدا در جدولهای ۶ و ۷ گزارش شده است.

جدول ۶- خلاصه شاخص‌های آماری و نتایج معناداری رگرسیون مربوط به

تبیین واریانس جهت‌گیری مذهبی درونی توسط دلبستگی به خدا

شاخص	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ^۲ ضریب تعیین	خطای برآورد
رگرسیون	۲۱/۳۹۰	۱	۲۱/۳۹۰	۵/۱۴	۰/۰۲۴	۰/۱۶۱	۰/۲۰۶	۶/۴۰
باقیمانده	۸۷۹۳۹/۱۳۶	۱۹۴	۴۰/۹۲۳					

با توجه به نتایج ارائه شده، بعد «اضطراب دلبستگی به خدا» پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشد. طبق جدول ۶، ۲۰/۶ درصد پراکندگی مشاهده شده در متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی توسط دلبستگی اضطرابی به خدا تبیین می‌شود. از آنجایی که بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و هیچ‌یک از سبک‌های دلبستگی بزرگسالان رابطه معناداری مشاهده نشد (رجوع شود به جدول ۳)، الگوی رگرسیون برای این متغیرها انجام نگرفته است.

جدول ۷- شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به

جهت‌گیری مذهبی درونی و ابعاد دلبستگی به خدا

شاخص متغیر	ضریب B	ضریب بتا	t	سطح معناداری	خطای معیار
اضطراب	۰/۷۲۳	-۰/۱۶۱	۲/۲۶۷	۰/۰۲۴	۰/۳۱۹
اجتناب	-	-۰/۰۶۲	-۰/۷۹۹	۰/۴۲۵	-

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون متغیرهای جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ابعاد دلبستگی به خدا، در جدول ۸ ارائه گردیده است. بر مبنای نتایج بدست آمده از تحلیل رگرسیون، F معنادار است.

جدول ۸- خلاصه شاخص‌های آماری و نتایج معناداری رگرسیون مربوط به

تبیین واریانس جهت‌گیری مذهبی بیرونی توسط ابعاد دلبستگی به خدا

شاخص	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ^۲ ضریب تعیین	خطای برآورد
رگرسیون	۳۰۶/۵۱۰	۱	۳۰۶/۵۱۰	۱۶/۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۲۸۱	۰/۰۷۹	۴/۳۳
باقیمانده	۳۵۷۸/۶۰۹	۱۹۱	۱۸/۷۳۶					

همانطور که در جدول ۸ ملاحظه می‌گردد بعد اجتناب دلبستگی به خدا پیش‌بینی‌کننده

جهت‌گیری مذهبی بیرونی در سطحی معنادار می‌باشد، و ۷/۹ درصد واریانس جهت‌گیری مذهبی بیرونی توسط دلبستگی اجتنابی به خدا قابل تبیین است (جدول ۹).

جدول ۹- شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به

جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ابعاد دلبستگی به خدا

شاخص متغیر	ضریب B	ضریب بتا	t	سطح معناداری	خطای معیار
اضطراب	-	-۰/۱۱۸	-۱/۲۲۶	۰/۱۵۶	-
اجتناب	۱/۰۲۴	-۰/۲۸۱	۴/۰۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳

● بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مطالعه تعیین تفاوت سبک دلبستگی افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند با افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، بوده است. نتایج نشان‌دهنده وجود تفاوت معنا دار بین این دو گروه در سطوح مختلف سبک دلبستگی می‌باشد. این نتایج در دو بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

□ الف) بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، «دلبستگی ایمن» در افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند بیش از کسانی است که دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی هستند، بطوری که «دلبستگی ایمن» پیش‌بینی کننده «جهت‌گیری مذهبی درونی» می‌باشد. هم‌چنین «دلبستگی دوسوگرا» در افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند کمتر از کسانی است که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند. این نتایج در راستای گروهی از یافته‌های پژوهشی قرار دارد که حاکی از کنش سبک دلبستگی ایمن در افرادی با جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشد (بطور مثال بتسون و ونیس، ۱۹۸۲؛ مختاری، ۱۳۷۹). طبق نظریه دلبستگی، دوسوگرایی و اجتنابگری (دلبستگی‌های نایمن) انواع راهبردهایی هستند که برای تعدیل اضطراب مرتبط با دلبستگی بکار می‌روند؛ از آنجایی که جهت‌گیری مذهبی درونی با «رگه اضطراب» ارتباطی منفی دارد (بطور مثال برگین و همکاران، ۱۹۸۷ به نقل از پارک و همکاران، ۱۹۹۰)، دور از انتظار نیست که دوسوگرایی در چنین افرادی کمتر مشاهده می‌شود. اما بین دو گروه مورد مقایسه از لحاظ سبک دلبستگی اجتنابگر تفاوت معناداری مشاهده نشده است که این نتیجه نیز به دلیل مذهبی بودن گروه نمونه مورد انتظار می‌باشد؛ زیرا طبق پیش‌بینی‌های کرک پاتریک (۱۹۹۹)، افراد اجتنابگر در حوزه دینی، ملحد محسوب می‌شوند یا خدا را دور از دسترس می‌پندارند.

به نظر می‌رسد کسانی که روابط ایمنی را تجربه می‌کنند، در پرتو ایمنی و آرامش کسب شده

فرصتی برای درک مداوم، تجربه کردن جهان اطراف و پرداختن به سطوح عالتر نیازها یعنی نیازهای معنوی می‌یابند. به علاوه، از حمایت معنوی ناشی از ارتباط با خدا نیز بهره مند می‌شوند؛ زیرا این افراد تلاش بیشتری برای نزدیکی و مجاورت، با خداوند دارند؛ داده‌های مطالعه حاضر نشان داده است افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی و دلبستگی ایمن دارند در مقایسه با افراد دارای مذهب بیرونی بطور معنا داری بیشتر در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند. حضور در مکانی که موجبات نزدیکی بیشتر به خدا را مهیا می‌کند، نمایانگر تلاش فرد برای همجواری با تصویر دلبستگی حمایتگر است.

□ ب) نتایج تحقیق نشان می‌دهد افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی در مقیاس دلبستگی به خدا اجتناب و اضطراب کمتری دارند؛ به عبارت دیگر دارای دلبستگی ایمن به خدا هستند. این نتیجه، با ملاحظه اینکه داده‌های تحقیق حاضر دارندگان جهت‌گیری مذهبی درونی را همراه با دلبستگی ایمن و جهت‌گیری مذهبی بیرونی را دارای دلبستگی نایمن (مضطرب دوسوگرا) توصیف می‌کند، مشابه نتایج گزارش شده توسط کرک پاتریک (۱۹۹۹)، است که دلبسته‌های ایمن در مقایسه با دلبسته‌های نایمن دلبستگی ایمن بیشتری را به خدا گزارش کردند. هم‌چنین با یافته‌های تقی‌یاره (۱۳۸۲)، مبنی بر ارتباط معکوس و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی و دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی نسبت به خدا، مطابقت دارد. این یافته‌ها حاکی از آن هستند که جهت‌گیری مذهبی درونی نوعی دیدگاه مطمئن و خود باور به زندگی می‌پروراند که به نظر می‌رسد خدا به منزله پایگاهی ایمنی بخش آن را مهیا می‌کند. اساساً ایمان از ریشه امن و به معنای پناه گرفتن و امنیت یافتن است. قرآن امنیت و آرامشی را که ایمان در وجود مؤمن ایجاد می‌کند، چنین توصیف می‌نماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»*.

دلبستگی ایمن به خدا، همان دلبستگی رشد یافته‌ای است که ازه‌ای (۱۳۸۱)، آنرا عامل اساسی می‌داند که می‌تواند با ارتباط با خدای شایسته دوست داشتن، آدمی را به اوج برساند. سایر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بعد اضطراب دلبستگی به خدا بطور معکوس جهت‌گیری مذهبی درونی را پیش‌بینی می‌کند که این نتیجه در راستای یافته‌های روت و کرک پاتریک

* آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام گیرد، آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. سوره رعد (۱۳)

(۲۰۰۲)، می‌باشد و نتیجه جالب توجه دیگر آن است که بعد اجتناب دلبستگی به خدا پیش بینی کننده مذهب بیرونی می‌باشد. این یافته می‌تواند حاکی از آن باشد که در جامعه‌ای که مذهب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اکثریت قریب به اتفاق، دین دار محسوب می‌گردند، ممکن است نوعی الزام اجتماعی موجب گردد حتی افرادی که عمیقاً به خدا اعتقادی نداشته یا خدا را غیر قابل دسترس می‌پندارند، به نوعی برای رفع نیازها و پیشبرد اهدافشان کم یا بیش از مذهب بهره گیرند.

○ بطور کلی داده‌های تحقیق حاضر تمایز واضح و آشکاری را بین دو جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نشان داده و پیشنهاد می‌کند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی در روابطشان نسبت به دیگران و نسبت به خدا دارای دلبستگی ایمن هستند و برعکس میزان ایمنی افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند در دلبستگی به خدا و دلبستگی بزرگسالان (بعد اضطرابی) کمتر می‌باشد. این نتایج «فرضیه هم‌خوانی» کرک پاتریک (۱۹۹۹) را مبنی بر اینکه تفاوت‌های فردی در تجربه و باورهای مذهبی مشابه تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی و الگوهای ذهنی است، تأیید کرده و هم‌سو با مطالعاتی هستند که این پیش‌بینی‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند (بطور مثال کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲ به نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۹). طبق مطالعات کرک پاتریک، افرادی که دارای الگوهای ذهنی مثبت یا «ایمن» از خود و تصویر دلبستگی هستند، دیدگاهی مشابه، نسبت به خدا داشته و تعهد مذهبی بیشتری دارند. به علاوه، این نتایج هم‌ایند با یافته‌های تقی یاره (۱۳۸۲)، مبنی بر «ارتباط معکوس و معنادار بین دلبستگی ایمن به مادر و دلبستگی‌های اضطرابی و اجتنابی به خدا»، و رابطه مستقیم و معنادار بین دلبستگی‌های ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) به مادر و دلبستگی‌های ناایمن به خدا»، در جهت تأیید رویکرد «الگوهای ذهنی» احتمال این فرض را که دلبستگی به خدا در افراد مذهبی می‌تواند تداوم روابط والدینی اولیه و دلبستگی بزرگسالی باشد، قوی‌تر می‌سازد. این نتیجه مورد انتظار می‌باشد زیرا طبق نظریه دلبستگی، الگوهای دلبستگی در طول زمان در نمونه‌های جمعیت عمومی نسبتاً ثابت هستند (مین^{۳۰} و کسیدی^{۳۱}، ۱۹۹۸؛ واترز^{۳۲}، ۱۹۷۸؛ واترز و همکاران، ۱۹۹۵ به نقل از کراول و تری بوکس، ۱۹۹۵). فریلی و شیور (۲۰۰۰) معتقدند مهمترین مطلب نظریه دلبستگی بزرگسال این است که تأثیر نظام دلبستگی بر رفتار، افکار و احساسات در بزرگسالی ادامه می‌یابد و با وجود تفاوت‌های فردی در شیوه سازمان‌دهی این نظام، در طی یک دهه و بیشتر، و در راستای انواع مختلف روابط صمیمی ثابت باقی می‌ماند (به نقل از فریلی، ۲۰۰۲). کودکان در اثر تجربه مکرر تعامل با تصویر دلبستگی، باورها و انتظاراتی را درباره مراقبین خود از نظر دسترسی و

پاسخگویی شکل می‌دهند. این باورها و انتظارات سبب میشوند کودکان گرایش به تجربه روابطی داشته باشند که با آن انتظارات همسان هستند و دیگران را به شیوه ای درک کنند که با آن اعتقادات همبسته باشد. به عبارت دیگر، چنین باورهایی پاسخهای شناختی، رفتاری و هیجانی آنان در تعاملات اجتماعی آینده را هدایت خواهد کرد. بنابراین روابط ایمن یا نایمن در بزرگسالی می‌تواند بازتاب تجربیات دلبستگی در اوایل کودکی باشد. و بنابر نتایج حاضر می‌توان گفت تجربیات دلبستگی اولیه می‌تواند بر سبک دلبستگی فرد در بزرگسالی و نوع دلبستگی وی نسبت به خدا تأثیرگذار باشد.

در فرهنگهایی نظیر ایران که آمیخته با مذهب می‌باشد و مذهب در آن نقش محوری ایفا می‌کند، افراد از همان سالهای نخستین بطور رسمی و غیر رسمی با آموزشهای مذهبی روبرو می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد برای بسیاری از افراد باورهای مربوط به دلبستگی و مذهب در سالهای اولیه زندگی رشد کرده و سپس این جهت‌گیریها در تمام یا بسیاری از مراحل زندگی حفظ می‌شوند؛ از این رو می‌توان زیربنای جهت‌گیری مذهبی درونی و دلبستگی ایمن به خدا را دلبستگی ایمن اولیه دانست.

○ بنابراین نتایج، همانطور که کرک پاتریک (۱۹۹۹)، نیز نتیجه می‌گیرد تمام باورهای مذهبی در روابط بین فردی نا کارآمد ریشه ندارد. ممکن است بتوان در جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقشی را برای دلبستگی نایمن بزرگسالی قائل شد، به این ترتیب که دلبستگی نایمن بزرگسالی منجر به افزایش احتمال گرایش به خدا به منزله تصویر دلبستگی جانشین شود؛ ولی چنین نقشی را نمی‌توان برای جهت‌گیری مذهبی درونی در نظر گرفت. با این وجود یافته‌های پژوهش حاضر، «فرضیه جبرانی» کرک پاتریک (۱۹۹۹)، را مبنی بر اینکه بزرگسالان دارای روابط دلبستگی نایمن، خدا را تصویر دلبستگی ایمن درک می‌کنند، رد می‌کنند. نارضایتی از دلبستگی‌های بین فردی ممکن است موجب شود افراد به منظور دست‌یابی به ایمنی و آرامش، به خدا روی آورند ولی چنین به نظر می‌رسد که این روی آوردن ابزاری به مذهب (جهت‌گیری مذهبی بیرونی)، با توجه به اینکه دلبستگی آنها به خدا نیز نایمن مشاهده می‌شود، تجربه ای حقیقی و پایدار نبوده و به منزله دفاع در مقابل واقعیت است. یعنی آن چنانکه آپورت (۱۹۶۷)، نیز معتقد است دارنده این نوع مذهب، از آن به عنوان یک مکانیزم دفاعی استفاده می‌کند و بدین لحاظ از اثرات مثبت مذهب درونی و دلبستگی ایمن به خدا بهره‌مند نمی‌شود.

○ به نظر می‌رسد نتایج کسب شده از این تحقیق، با دو الگوی مذهبی که گرانکوشت (۲۰۰۲)، در رابطه با دلبستگی مطرح کرده است، هم خوانی دارد. طبق الگوی اول که با الگوی دلبستگی

افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی تطابق دارد، بازنماییهای ذهنی دلبستگی نتیجه تجربیات مطلوب و روابط ایمنی هستند که پاسخگوی هم خوانی با تصور خدایی مهربان و در دسترس می باشند. ولی در دومین الگو، خصوصیات مذهبی، راهبردی برای کسب و حفظ احساس امنیت به شمار می آیند و خدا به عنوان جانشین تصویر دلبستگی مورد استفاده قرار می گیرد؛ تصور چنین افرادی از خدا بیشتر «دور» و کمتر «مهربان» است. الگوی اخیر با الگوی دلبستگی افرادی که دارای جهت گیری مذهبی بیرونی هستند مطابقت دارد. طبق نظر گرانکوئست (۲۰۰۲)، مذهب افرادی که در الگوی اول جای می گیرند، بر خلاف دومین الگو، شبیه والدین آنها است و احتمالاً در طول زمان ثابت می باشد. این مطلب با نظریه آپورت همایند و هماهنگ می باشد. بر طبق این نظریه، مذهب درونی با ثبات اخلاقی ای همراه است که فلسفه جامعی برای زندگی عرضه می کند و باورهای راه گشا و کارآمدی برای فرد به ارمغان می آورد؛ افراد با این نوع مذهب، دارای یک نظام ارزشی درونی شده هستند که بافت و خیزهای مقطعی زندگی از بین نمی رود یا رنگ عوض نمی کند. ایمان آنها وسیله ای برای حفظ و رشد روابطشان می باشد. رایینسن (۱۹۹۴)، بر اساس تحقیق خود پیشنهاد می کند جهت گیری مذهبی می تواند بر کیفیت و تداوم ازدواج (به عنوان رابطه دلبستگی) از طریق هدایت اخلاقی و حمایت اجتماعی، هیجانی و معنوی تأثیر بگذارد.

○ بطور کلی نتایج مطالعه حاضر، نمایانگر این است که بنا به نوع جهت گیری مذهبی، نقش سبک دلبستگی (ایمن یا نایمن) می تواند متفاوت باشد. البته بایستی توجه نمود که نمی توان به این موضوع بصورت تک عاملی اندیشید بلکه عوامل متعددی را می توان در این رابطه دخیل دانست. بطور مثال نقی یاره (۱۳۸۲)، ارتباط سطح تحول یافتگی «من»^{۳۳} و جهت گیری مذهبی درونی را مثبت و معنا دار، گزارش کرده و نشان داده است که الگوی همخوانی در افرادی که در سطوح تحول «من» پایین تر از هفت قرار دارند تأیید می گردد ولی در افرادی با سطوح پیشرفته تحول «من» (تیپ شخصیتی فردیت یافته) تأیید نمی شود. از سویی دیگر، نباید از نظر دور داشت نظام اعتقادی مذهبی نیز به نوبه خود، بر سبک دلبستگی فرد به عنوان یک ویژگی شخصیتی اثر گذار می باشد.

○ این پژوهش مرکزیت خانواده و بخصوص نقش مادر (یا جانشین مادر) در آموزش مذهب را از منظر دلبستگی مورد تأکید قرار داده و پیشنهاد می کند تجربه دلبستگی ایمن می تواند فرد را به یک نظام ارزشی درونی شده سوق دهد؛ ارزشهایی که خصلت دائمی پیدا کرده و به انسان هویت و اصالت بدهند. این ارزشها قادرند فرد را در مقابل محیط درون و بیرون خود محافظت

کنند و تداوم بخش سلامت و بهداشت روانی وی باشند.

○

○

○

یادداشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1- Extrinsic religious orientation | 2- Intrinsic religious orientation |
| 3- Attachment theory | 4- Bowlby, J. |
| 5- Byng-Hall, J. | 6- Secure base |
| 7- Attachment figure | 8- Berman, W. H. |
| 9- Sperling, M. B. | 10- Adult attachment |
| 11- Weiss, R. S. | 12- Ainsworth, M. S. |
| 13- Compensation hypothesis | 14- Correspondence hypothesis |
| 15- Psychological well-being | 16- Baker, M. |
| 17- Bergin, A. | 18- Secure attachment style |
| 19- Attachment to God | 20- Strahan, B. |
| 21- Insecure attachmen | 22- Intrinsic and Extrinsic Religious Orientation Scale |
| 23- Feagin, J. R. | 24- Donahue, J. M. |
| 25- Adult Attachment Style Questionnaire | 26- Hazan, C. |
| 27- Avoidant | 28- Ambivalence |
| 29- Attachment to God Questionnaire | 30- Main, M. |
| 31- Cassidy, J. | 32- Waters, E. |
| 33- Ego | |

منابع

- قرآن کریم.
- اژه‌ای، جواد. (۱۳۸۱). نیازها در قرآن، مجله روانشناسی، سال ششم، ۲۴ (۴)، ص ۳۲۳-۳۰۷.
- بهرامی احسان، هادی. (۱۳۸۱). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود، مجله روانشناسی، سال ششم، ۲۴ (۴)، ص ۳۳۶-۳۴۷.
- تقی‌باره، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- خسروی، زهره. (۱۳۷۸). مذهب عامل سلامت یا اختلال روان، مجله تربیت، دوره ۱۴، (۱۰)، ص ۱۶-۱۴.
- فیروزی، منیژه. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک دلبستگی زوجین و سازش روانشناختی باناباروری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- مظاهری، محمد علی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج، مجله روانشناسی، ۱۵ (۳)، ص ۲۸۶-۳۱۸.
- مختاری، عباس. (۱۳۷۹). رابطه جهت‌گیریهای مذهبی درونی و بیرونی با میزان تنیدگی در دانشجویان دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- Allport, G. W.; & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432-443.
- Batson, C. D.; & Ventis, W. L. (1982). *The religious experience. A social psychological perspective*. New York: Oxford University Press.
- Cloninger, S. C. (1996). *Personality: Description, dynamics and development*, New York: W. H. Freeman & Co.
- Crowell, J. A.; & Treboux, D. (1995). A review of adult attachment measures: Implications for theory and research, *Social Development*, 4, 294-327.
- Fraley, R. C. (2002). *A brief overview of adult attachment theory and research*, Unpublished essay, University of Illinois at Chicago.
- Granquist, P. (2002). *Attachment and religion: An integrative developmental framework*, Comprehensive Summaries of Uppsala Dissertations from the Faculty of Social Sciences, 94p.
- Kaldestad, E. (1995). The empirical relationships of the religious orientations of personality, *Scandinavian Journal of Psychology*, 36, 95-108.
- Kerjeie, R. V.; & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Kirkpatrick, L. A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds), *Handbook of attachment, theory, research and clinical applications*, (803-822), New York: London.
- Kirkpatrick, L. A.; & Shaver, P. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 314-335.
- Mathews Treadway, K. (1996). Religion and optimism: Models of the relationship, *The Student Journal of Psychology*, 1-13.
- McFadden, S. H.; & Levin, J. S. (1996). Religion, emotions and health, In C. Magai & S. H. McFadden (Eds), *Handbook of emotion, adult development and aging* (349-365). San Diego: Academic Press.
- Newman, J. S.; & Pargament, K. I. (1990). The role of religion in the problem-solving process,

Review of Religious Research, 31, 390-403.

Park, C.; Cohen, L. H.; & Herb, L. (1990). Intrinsic religiousness and religious coping as life stress moderators for catholics versus protestants, *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 562-574.

Rowatt, W. C.; & Kirkpatrick, L. A. (2002). Dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity and personality constructs, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41, 637-651.

Robinson, L. C. (1994). Religious orientation in enduring marriage: An exploratory study, *Review of Religious Research*, 135(3), 207-217.

